



تأمین سرمایه از کجا؟



مهدی آگاه
فعال اقتصادی

مقدمه

که بانک‌های ایران نقش خود را به خوبی ایفا نمی‌کنند. عدم استقلال بانک مرکزی در تصمیم‌گیری‌های بانکی از دولت جمهوری اسلامی مهم‌ترین دلیل این مشکل شناسایی شده است. دولت‌ها به طرق مختلف اقدام به استقراض از منابع بانکی کرده و یا به اجبار، بانک‌ها به تخصیص وام‌های تکلیفی به بنگاه‌های مورد نظر می‌پردازند. عدم بازپرداخت وام‌های تکلیفی و دیون دولتی به بانک‌ها حجم عظیمی از منابع بانکی کشور را منجمد و چرخه گردش پول را دچار آشفتگی می‌کند. در این میان نهاد بالادستی (دولت) نیز اعتبار نظارتی خود را از دست داده است. نتیجه این اقدامات در سطح خرد اقتصاد آن است که از یکسو منابع اندک بانکی و از سوی دیگر تقاضای زیاد برای این منابع از طرف بنگاه‌ها منجر به انعقاد قراردادهای یک‌جانبه می‌گردد. در این قراردادها هر نوع هزینه و خواسته مشروع و یا نامشروعی توسط بانک‌ها به بنگاه‌های بی‌پناه بخش خصوصی کشور تحمیل می‌شود. بدهی دولت به بانک‌ها یکی از ریشه‌های اصلی مشکلات

موضوع تأمین سرمایه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امروز بنگاه‌های اقتصادی است. دو عامل به بحرانی شدن این مسئله دامن زده است:

۱- عدم ذخیره‌گیری برای استهلاک دارایی‌های سرمایه‌ای این بنگاه‌ها نظیر ماشین‌آلات، تکنولوژی خریداری شده و یا ابنیه و تأسیسات و حق امتیازها. مقررات ناظر بر روش‌های حسابداری مجاز شرکت‌ها که مورد قبول وزارت دارایی باشد، تورم سالانه را صفر در نظر گرفته و ذخیره استهلاک را به قیمت دفتری مجاز می‌داند. این رویه در اقتصادی که دچار تورم سنگین است به خروج تدریجی دارایی‌ها از طریق ایجاد سود واهی منجر می‌شود. با گذشت زمان بنگاه اقتصادی که می‌باید از اندوخته روزافزونی تحت عنوان ذخیره استهلاک برخوردار شود عملاً به سوی ورشکستگی کشانده می‌شود.

۲- در چنین شرایطی مرجع اصلی تأمین سرمایه بنگاه‌های اقتصادی، بانک‌ها خواهند بود. اما شواهد گویای آن است

بفروشد؟

- دوم اینکه وزیر نفت ظاهراً توان تخصیص این مبلغ را به این بخش صنعت یا هر بخش انرژی بر دیگر دارد و گر نه اصرار وزیر صنعت بی‌ثمر بود.
- سوم آنکه روشن است درآمدهای گازی کشور انعکاسی در بودجه رسمی کشور ندارند. اگر پیش‌بینی درآمدهای این بخش در بودجه دیده‌شده بود، دیگر وزیر نفت نمی‌فرمود «چرا شفاف ندهیم؟ بهتر است در بودجه ۱۶ میلیارد دلار به بازنشسته‌ها اختصاص دهیم.»

سهم انرژی فسیلی در بودجه پنهان

در بودجه رسمی سال ۹۶ از کل منابع انرژی فسیلی برداشت‌شده فقط دو و نیم میلیون بشکه نفت صادراتی منعکس شده و نفت خام مصرفی داخل کشور در این بودجه انعکاسی ندارد.

- عملاً بیش از یک‌میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز معادل ۶۵۷ میلیون بشکه در سال نفت خام و میعانات مصرف‌شده در داخل کشور به قیمت بودجه‌ای بشکه‌ای ۵۵ دلار جمعاً به ارزش ۳۶ میلیارد دلار را باید بخشی از بودجه پنهان دانست.

- از سوی دیگر روزانه بیش از ۸۰۰ میلیون مترمکعب [۱] معادل سالانه ۲۹۲ میلیارد مترمکعب برداشت از منابع گاز طبیعی کشور نیز، همان‌طور که در سومین نکته تحلیل سخنان آقای بیژن زنگنه اشاره شد، در بودجه رسمی سال ۹۶ لحاظ نشده است. برای ارزش‌گذاری این بخش که باید به بودجه پنهان افزوده شود به قیمت هر مترمکعب گاز نیاز داریم که از وزیر محترم نفت کمک می‌گیریم. به گزارش اقتصاد آنلاین تحت کد خبر ۱۶۷۷۶۰ آقای بیژن زنگنه فرموده‌اند: «هیچ‌کس در منطقه به‌غیر از ایران گاز اضافه برای فروش ندارد، در حال حاضر قیمت تمام‌شده گاز تولیدی ایران بیش از ۳۰ سنت در هر مترمکعب است. کاهش قیمت خوراک پتروشیمی‌ها رانت و ضرر است. باید برای فعالیت این صنعت رقابت وجود داشته باشد و بخش خصوصی به این قیمت راضی است.» بنابراین اگر دولت بخواهد که استخراج و توزیع گاز (اعم از مصارف داخل و صادرات) با تحمل زیان صورت نگیرد، گاز را باید مترمکعبی حداقل ۳۰ سنت به فروش رساند. به‌عبارت‌دیگر فقط سهم بخش گاز در بودجه پنهان در سال ۹۶، حاصل ضرب ۲۹۲ میلیارد مترمکعب در ۳۰ سنت معادل ۸۷ میلیارد دلار خواهد بود.

ملاحظه می‌شود سهم انرژی فسیلی در بودجه پنهان معادل ۱۲۳ میلیارد دلار است. به نرخ دلار تعیین‌شده در بودجه ۹۶ (هر

تأمین سرمایه در ایران است. این بدهی تا پایان آبان ۹۵ حدود ۱۴۳ هزار میلیارد تومان اعلام‌شده است که هر ساله نیز بر مقدار آن افزوده می‌شود. یافته‌های ما نشان می‌دهد که این رقم با اینکه بیش از ارزش صادراتی نفت کشور در سال جاری است، مع‌هذا در مقابل کل منابعی که سالیانه دولت بر آن‌ها مدیریت داشته و دارد، رقم بالایی نیست.

در ادامه به این موضوع پرداخته می‌شود که منابع تحت مدیریت دولت چه نوع و چه مقدار هستند؟ کدام بخش از آن در بودجه رسمی سالانه کشور آورده نمی‌شود؟ این بخش را که ما «بودجه پنهان» می‌نامیم چگونه و توسط چه کسانی هزینه می‌شود؟ و سؤال خیلی مهم‌تر اینکه اگر این بودجه پنهان به اندازه‌ای است که می‌تواند به راحتی بدهی‌های دولت را پوشش دهد و عملاً مشکلات سیستم بانکی را مرتفع کند، چرا پنهان نگه‌داشته شده و هیچ تریبون شفاف‌سازی آن را از دولت مطالبه نمی‌کند؟

بودجه پنهان چیست؟

برای روشن شدن وجود بودجه پنهان به موشکافی خبری که در تاریخ ۱۳ دی ۹۵ در تارنمای ایسنا زیر کد خبر: ۹۵۱۰۱۳۰۷۷۰۹ با عنوان «خوراک ارزان پتروشیمی، به نام بازنشسته‌ها، به کام چه کسی؟» منتشرشده می‌پردازم.

• به گزارش ایسنا، «اظهارنظرهای متعدد وزیر صنعت درباره قیمت خوراک پتروشیمی و اصرار وی بر کاهش قیمت خوراک، باعث شد صدای اعتراض بیژن زنگنه، در جلسه علنی روز شنبه [۱۱ دی ۹۵] مجلس نشینان که در آن ماده ۵۳ لایحه برنامه ششم در مورد تعیین قیمت خوراک پتروشیمی‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفت، بلند شود.»

• لب پاسخ آقای بیژن زنگنه این است: «برخی می‌گویند این پول به جیب بازنشسته‌ها می‌رود چون این شرکت‌ها متعلق به بازنشسته‌ها است، البته که این‌طور نیست اما اگر می‌خواهیم به بازنشسته‌ها ۱۶ میلیارد دلار پول بدهیم چرا شفاف ندهیم؟ بهتر است در بودجه ۱۶ میلیارد دلار به بازنشسته‌ها اختصاص دهیم.»

با دقت در پاسخ آقای زنگنه چند نکته بسیار مهم تجلی می‌کند.

• اول اینکه تخفیف چند سنتی در قیمت گاز پتروشیمی‌ها برای این واحدها می‌تواند ۱۶ میلیارد دلار افزایش سود به دنبال داشته باشد. سؤال اینجاست مگر گاز قیمت واحد و معینی برای همه مصرف‌کننده‌ها ندارد؟ یا اینکه باید وزیر نفت اختیار داشته باشد که به هر کس، به هر قیمتی و به هر میزانی که خواست



دلار ۳۳۰۰ تومان) بودجه پنهان ناشی از برداشت انرژی فسیلی معادل ۴۰۵ هزار میلیارد تومان خواهد بود.

شایان ذکر است اگر دولت‌های محترم دستور مجلس مبنی بر افزایش نرخ دلار بر اساس تفاوت تورم سالیانه ریال و دلار را اجرا می‌کردند اکنون نرخ دلار می‌بایست در حدود ۱۰ هزار تومان باشد. با احتساب این نرخ دلار واقعی بودجه پنهان به سه برابر رقم فوق افزایش پیدا می‌کرد.

چگونگی تأمین بدهی دولت به بانک‌ها

اگر رقم بدهی دولت به بانک‌ها که در مقدمه معادل ۱۴۳ هزار میلیارد تومان ذکر شده است را با سهم انرژی فسیلی در بودجه پنهان مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که همین بخش از بودجه پنهان چنانچه به بودجه رسمی افزوده گردد نه تنها بدهی دولت به بانک‌ها تأمین می‌شود؛ بلکه کل مالیات پیش‌بینی شده در بودجه را که در شرایط رکود اقتصادی و ورشکستگی‌های وسیع، وصول آن ناممکن می‌نماید، پوشش خواهد داد. یادآور می‌شود در بودجه ۹۶ پیش‌بینی شده است که ۱۱۳ هزار میلیارد تومان مالیات وصول شود. حشو وزارت دارایی، تعطیلی آن و گماردن کارمندان این وزارتخانه به نظارت بر چگونگی خرج بودجه پنهان می‌تواند از مزایای نهفته در این شفاف‌سازی باشد. طرفه آنکه پس از پرداخت بدهی‌های بانکی و پوشش دادن سهم مالیات، با مانده این بودجه پنهان (معادل ۱۴۹ هزار میلیارد تومان) می‌تواند بودجه عمرانی کشور در سال ۹۶ را از ۶۰ هزار میلیارد تومان به ۲۰۹ هزار میلیارد تومان افزایش داد.

آیا بودجه پنهان در نفت و گاز خلاصه می‌شود؟

خیر این‌طور نیست. منبع عمده دیگری که در بودجه آشکار ارزش‌گذاری نشده است، میزان برداشت سالانه آب از ذخایر زیرزمینی می‌باشد. اگر برداشت آب از منابع زیرزمینی کشور را از ۴۵۰ هزار حلقه چاه عمیق که دارای مجوز بهره‌برداری از وزارت نیرو می‌باشند [۲]، به‌طور متوسط حداقل ۶ لیتر بر ثانیه تخمین بزنیم و متوسط دوران آب‌کشی از چاه را ۲۷۵ روز در سال در نظر بگیریم، عددی معادل ۱۴۲ هزار مترمکعب در سال به ازای هر چاه و جمعاً سالانه متجاوز از ۶۴ میلیارد مترمکعب برای کلیه چاه‌ها خواهد شد.

با توجه به تمام شدن قریب‌الوقوع ذخایر آب‌های زیرزمینی اگر تأمین آب فقط با جایگزینی شیرین‌سازی آب دریا و انتقال آن به فلات ایران ممکن باشد، هم‌اکنون می‌دانیم که این فرآیند تأمین آب برای مصرف‌کننده در جزیره کیش از قرار مترمکعبی ۷۰۰۰ تومان هزینه در بردارد.

توجه داریم که در نقاط مرکزی فلات ایران هزینه‌های پمپاژ در مسافت‌های چند صد کیلومتری و ارتفاعات چند هزار متری باید به این هزینه اضافه شود. اگر این عدد را مبنای قیمت جایگزینی آب شیرین در فلات ایران بدانیم، سالیانه معادل ۴۴۹ هزار میلیارد تومان ارزش برداشت آب‌های زیرزمینی می‌باشد که اختیار آن فعلاً در دست وزارت نیروست بدون آنکه در بودجه رسمی و آشکار لحاظ شده باشد.

به‌عبارت‌دیگر جمع بودجه پنهان از محل برداشت انرژی فسیلی (۴۰۵ هزار میلیارد تومان) و آب‌های زیرزمینی (۴۴۹ هزار میلیارد تومان) جمعاً سالانه معادل ۸۵۴ هزار میلیارد تومان خواهد بود.

ملاحظه می‌شود سهم انرژی فسیلی در بودجه پنهان معادل ۱۲۳ میلیارد دلار است. به نرخ دلار تعیین‌شده در بودجه ۹۶ (هر دلار ۳۳۰۰ تومان) بودجه پنهان ناشی از برداشت انرژی فسیلی معادل ۴۰۵ هزار میلیارد تومان خواهد بود.

جمع بودجه پنهان از محل برداشت انرژی فسیلی (۴۰۵ هزار میلیارد تومان) و آب‌های زیرزمینی (۴۴۹ هزار میلیارد تومان) جمعاً سالانه معادل ۸۵۴ هزار میلیارد تومان خواهد بود.

آن هنوز بشکه‌ای حدود یک دلار و ۶۰ سنت بود. یعنی بین هزینه برداشت و قیمت فروش اختلافی فاحش به وجود آمد. این اختلاف یعنی خالص ارزش نفت برداشت شده در این سال به ۲۰ میلیارد و ۶۵۵ میلیون دلار جهش پیدا کرد. به عبارتی منابع درآمدی دولت از نفت بیش از ۱۳۰ برابر افزایش یافت. از این مرحله بود که در بخش انرژی که فروش داخل به قیمت تمام شده در بودجه لحاظ می‌شد، مخفی‌کاری رخ نه کرد. از آنجا که شاه بازنویسی و افزایش انفجاری بودجه پنجم را به خاطر جذب درآمدهای هنگفت نفتی به دولت تحمیل کرد، سازمان برنامه بودجه دیگر درصدد نمایان ساختن معایب این نوع بودجه‌نویسی در مقابل اراده شاهانه برنیامد. متأسفانه این روال غلط بعد از انقلاب که قیمت نفت تا میزان ۴۰ دلار در بشکه و حتی در دورانی تا ۱۴۰ دلار افزایش یافت، دولتمردان را به فکر پر کردن این شکاف در بودجه نینداخت.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در متن نوشتار نیز بدان اشاره شد، منشأ همه رانت‌ها، بودجه پنهان عظیمی است که حساب و کتاب ندارد. صحیح آن است که کلیه منابع و امکاناتی که از طرف ملت در اختیار دولت قرار می‌گیرد، توسط کمیسیون‌هایی در مجلس ارزیابی شده و در بخش درآمدهای بودجه منظور گردد تا چنانچه وزرا یا دیگر دولتمردان از این منابع خاصه‌خرجی کردند در پایان سال از تطبیق بودجه با عملکرد آن این رانت‌خواری برملا گردد. چرا دولتی که از منابع انرژی کشور سالانه معادل ۱۷۳ میلیارد دلار برداشت می‌کند و فقط ۵۰ میلیارد دلار آن (ارزش ۲,۵ میلیون بشکه نفت صادراتی در روز) را در به وجه رسمی لحاظ می‌کند، باید دائماً با بدهی‌های معوقه به سیستم بانکی و رکود اقتصادی به بهانه کمبود منابع دست‌گیربان باشد، در حالی که شیاطین خصولتی فقط در یک مذاکره ساده بر سر ۱۶ میلیارد دلار از بودجه پنهان با یکدیگر چانه‌زنی می‌کنند؟ بی‌شک شفاف‌سازی ارزش میزان آب و انرژی برداشتی سالانه توسط دولت و هزینه کرد روشن آن در بودجه عمومی، قدرت مالی عظیم دولت را به بهترین نحو آشکار خواهد کرد.

والسلام علی من التبع الهدی

منابع:

- [۱]- شماره ۵۵۰۲، روزنامه آفرینش مورخ ۱۷ اسفند ۹۵ تحت خبر «دوره سوخت مایع در ایران تمام شد».
- [۲]- گفتگوی آقای میبیدی با خبرگزاری ایلنا مورخ ۹۵/۱۱/۱۸
- [3]- <https://www.statista.com/statistics/262858/change-in-opeac-rude-oil-prices-since-1960/http://don.geddis.org/bets/peakoil/eia-doe-1960-2006>.

آیا بودجه پنهان محدود به همین ۸۵۴ هزار میلیارد تومان است؟

از آنجا که در بین خوانندگان فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی قطعاً افراد داناتر و مطلع‌تر از اینجانب بسیاریند، در اینجا به ذکر فهرست‌وار برخی دیگر از موارد بسنده می‌کنم.

- ارزش سالانه روان آب‌ها (وزارت نیرو)
- ارزش سالانه بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع (سازمان منابع طبیعی و جنگل‌ها)
- ذخیره استهلاک شاهراه‌ها و حق استفاده از آن‌ها و از کرایه‌های هوایی (وزارت راه و ترابری)
- ذخیره استهلاک و حق استفاده از ابنیه دولتی (وزارت مسکن و شهرسازی)
- ذخیره استهلاک و حق استفاده از معادن و کارخانه‌های دولتی (وزارت صنایع و معادن)
- غیره.

باشد که این موارد و آنچه را که فرهیختگان گرامی احصاء، محاسبه و آشکار می‌کنند در رقم کل بودجه پنهان لحاظ شود.

چرا بودجه پنهان با چشم غیر مسلح دیده نمی‌شود؟

متأسفانه این باور در میان مسئولین کشور همه‌گیر است که چون لا بد در زمان گذشته بودجه شفاف و درست تنظیم می‌شده دلیلی وجود ندارد که اکنون همان روش‌ها ادامه نیابد. در جواب باید گفت که از شروع بودجه‌نویسی در سال ۱۳۳۲ تا آغاز سال ۱۳۵۲ و به مدت ۲۰ سال عدم شفافیتی در بودجه رسمی کشور وجود نداشت، این امر تنها مرهون قیمت پایین نفت و فاصله اندک بین هزینه برداشت و قیمت فروش بود. آنچه که به بودجه پنهان وسعت می‌دهد شکاف بین هزینه استخراج یک بشکه نفت و یا یک مترمکعب گاز از قیمت فروش آن است.

نگاهی به آمارهای برداشت و فروش نفت از آغاز دهه چهل تا کنون [۳]، نشان می‌دهد در پایان این دهه اوج رشد اقتصادی هر بشکه نفت به‌طور متوسط با هزینه یک دلار و ۱۵ سنت برداشت می‌شده، در حالی که قیمت بین‌المللی آن به‌طور متوسط یک دلار و ۴۰ سنت بوده؛ یعنی بین آنچه که برداشت و فروخته می‌شده، اختلاف چندانی وجود نداشته است. به طوری که متوسط خالص ارزش برداشت نفت در دهه چهل سالانه فقط ۱۵۶ میلیون دلار بوده است. بنابراین عملاً بودجه‌ی مخفی چندانی نداشتیم. اما از آغاز دهه ۵۰ قیمت نفت در مدت کوتاهی ۱۱ برابر شد. به طوری که در سال ۵۳ قیمت هر بشکه نفت به ۱۱ دلار رسید؛ در حالی که هزینه برداشت